

تحلیل نقش ژئواکونومیک و کریدوری ایران در تحقق همگرایی در

آسیای جنوب غربی

محمد اخباری^۱، فرحناز مایل افشار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

چکیده

آسیای جنوب غربی منطقه ای با دارا بودن ۵ منطقه ژئوپلیتیکی منحصر به فرد، منطقه گرایی و به تبع آن همگرایی منطقه ای را به صورت ناقص تجربه کرده است. چرا که این منطقه وسیع علی رغم پتانسیل های توانسته، آنطور که باید در اقتصاد جهانی به ایفای نقش بپردازد. شاید بتوان یکی از دلایل این امر را فقدان مدل مطلوبی برای توسعه منطقه آسیای جنوب غربی با توجه به جایگاه و قابلیت های ذکر نمود. از آنجا که تحولات کنونی جهان به گونه ای پیش می رود که ضرورت ایجاد یک مدل و زمینه مطلوب همگرایی منطقه ای در آسیای جنوب غربی بیش از پیش احساس می گردد لذا ایجاد زمینه هایی در راستای رسیدن به این هدف باید مد نظر قرار گیرند. در این میان کشور ایران با قرار داشتن در قلب خاورمیانه یکی از کشورهای مهم آسیای جنوب غربی است که با دارا بودن پتانسیل های ژئواکونومیک قابل توجه، و نیز تعامل قوی با همه زیر سیستم های آسیای جنوب غربی می تواند بازیگر ارزشمندی در راستای رسیدن به این مهم یعنی همگرایی و همکاری منطقه ای در چارچوب مسائل اقتصادی باشد. از آنجا که ایران هم جزو تولید کنندگان اصلی انرژی است و هم دو کریدور بین المللی از آن می گذرد و افزون بر آن دارای نقش گذرگاهی برجسته ای است، همانندی پلی می باشد که کشورهای سه قاره اروپا آسیا و آفریقا را می تواند به هم متصل کند، از این رو بهترین گزینه در میان کشورهای منطقه است که در زمینه های مختلفی از جمله اقتصادی، فرهنگی و... می تواند به عنوان مبنایی جهت ایجاد و گسترش همگرایی و همکاری در آسیای جنوب غربی ایفای نقش کند.

واژه گان کلیدی: ژئواکونومی، همگرایی منطقه ای، کریدورهای حمل و نقل.

۱- دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

بحث جهانی شدن در ذات خود بحث کما بیش مبهمی است. علت ابهام آن این است که مفهوم یکسان و یکدستی از آن عرضه نشده است. جهانی شدن بحثی چند بعدی است، خصوصاً در مباحث روابط بین‌الملل و داخلی سعی در ترسیم دوزنقه‌ای از مباحث دارد. از عمده‌ترین ابعاد این دوزنقه شکل در ماهیتی است که از نظام بین‌الملل عرضه می‌کند و بر این باور است که محیط جدیدی در سطح جهانی به وجود آمده و همه اجزای نظام بین‌المللی متأثر از این محیط هستند. امروزه جهانی شدن محور بسیاری از موضوعات در مسائل بین‌المللی می‌باشد.

یکی از موضوعاتی که این فرایند در قرن بیست و یکم بر روی آن تأثیر فراوانی بر جای گذارده، تغییرات شگرفی است که در مفاهیم قلمروهای استراتژیک و اهداف آن بوقوع پیوسته است. در حقیقت در این قرن مفاهیم جدیدی پایه عرصه گذاشتند که احتیاج به برنامه ریزیهای متفاوتی دارند. چرا که بنیان قلمروهای استراتژیک که در جنگ سرد بر اساس توان نظامی، جغرافیایی و ایدئولوژیک بنا شده بود در این قرن تغییر پیدا کردند. به عبارت دیگر اگر در دوران جنگ سرد سرزمین یا خاک عنصر اصلی و روح مطالعات ژئوپلیتیک و استراتژیک را تشکیل می‌داد در قرن بیست و یکم مسائل نظامی اهمیت خود را در تعیین اهمیت مناطق ژئواستراتژیک از دست داد و عوامل انسانی و اقتصادی جایگزین آن شد. در حقیقت در این قرن ما شاهد تحولات عظیمی در مفاهیم استراتژیک هستیم که پیدایی مفهوم ژئواکونومی یکی از آنها می‌باشد.

در حال حاضر محور مناطق ژئواستراتژیک، "عامل انسانی و منابع اقتصادی" است و میزان تولید ناخالص ملی کشورها است که در تعیین مناطق استراتژیک نقش اصلی را بازی

خواهد کرد. گرچه در دوران جنگ سرد محور مناطق ژئواستراتژیک جهان، استراتژی‌های نظامی بود، اما اکنون قلمروهای ژئواستراتژیک سابق دگرگون شده و پنج منطقه ژئواستراتژیک و پنج منطقه ژئواکونومیک در حال شکل‌گیری است و کشورهای محور در منظومه‌ها می‌کوشند قلمروها و مرزهای خود را مشخص نمایند.

یکی از این مناطقی که شاهد این تحولات عمیق می‌باشد و بر طبق نظریه کارشناسان یکی از منظومه‌های اصلی است آسیای جنوب غربی می‌باشد. منطقه‌ای که بخشی از قاره پهناور آسیا، محدود به مرزهای ۲ قاره اروپا و آفریقا و سه کشور گسترده و بزرگ روسیه، چین، هند و اقیانوس هند را دربر می‌گیرد. این منطقه از پنج حوزه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه تشکیل می‌گردد. در میان این مناطق، منطقه خاورمیانه چه در قرن بیستم که تفکرات ژئواستراتژیک حاکم بود و چه در قرن بیست و یکم که عوامل انسانی و اقتصادی جایگزین آن گردیدند، دارای اهمیت منحصر به فرد و ویژه‌ای می‌باشد.

اما باید خاطر نشان ساخت در این منطقه استراتژیک، ایران با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی که از نظر منابع انرژی و موقعیت جغرافیایی یعنی نقش کریدوری و ترانزیتی که در خصوص انتقال انرژی یا به عبارتی نقش مرکزی که در حوزه تولید و مبادلات انرژی دارا می‌باشد و همچنین تعامل قوی که با همه زیر سیستم‌های آسیای جنوب غربی دارد می‌تواند کلیدی‌ترین و محوری‌ترین کشور جهت همگرایی و همکاری در منطقه آسیای جنوب غربی باشد.

مبانی نظری تحقیق

در دوران جنگ سرد از آنجا که قلمروهای ژئواستراتژیک براساس اهداف نظامی تعیین می شد در نتیجه مناطق ژئوپولیتیکی نیز می بایستی توجه کننده اهداف نظامی باشند و به همین علت به محض احساس کوچکترین تغییر و تحول در ساختار نظام ژئوپولیتیکی برخی از مناطق که ممکن بود به نحوی اهداف نظامی را دچار مشکل سازد توسل به زور را در آن مناطق انکارناپذیر می ساخت، ولی امروزه قلمروهای ژئواستراتژیک باید توجهی اقتصادی، نظامی داشته باشد. این چرخش قابل ملاحظه است که ما امروز شاهد تغییر در استراتژیهای گوناگون قدرتها بویژه ایالات متحده آمریکا هستیم. روی همین اصل برای اولین بار در اواخر دهه ۹۰ میلادی واژه ژئواکونومی مطرح شد که برخی به اشتباه آن را جایگزین ژئوپولیتیک می دانند و گروهی هم به اشتباه فکر می کنند که دوران ژئوپولیتیک به سرآمده است و دوران ژئواکونومیک مطرح است، در حالی که این یک اشتباه در تعبیر مفاهیم است زیرا واژه ژئواکونومی در واقع تغییر نام و هدف واژه ژئواستراتژی است. در حقیقت در مفهوم ژئواکونومی، اهداف با دخل و تصرف در استراتژیهای اقتصادی با بهره گیری از بستر ژئوپولیتیک به اهداف استراتژیک تغییر شکل دادند. (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۴).

باید گفت ژئواکونومی یعنی زمینه های اقتصاد پایه، یعنی سرزمین هایی که در اقتصاد جهانی نقش دارند. با توجه به این نکته، امروز دنیا را به شش منطقه تقسیم می کنند و هر منطقه ای که خارج از این تقسیم بندی قرار گیرد از اهمیت چندانی برخوردار نیست. آمریکای شمالی، اروپای غربی، خلیج فارس، آسیای جنوب شرقی، محور مسکو، لنینگراد و هند، مناطق ژئواکونومیک جهان هستند. از این شش منطقه، چهار منطقه مصنوعات خود را به سایر کشورها صادر می کنند و از تولید انبوه برخوردار هستند. یک منطقه است که

فقط مواد خام صادر می‌کند و این منطقه خلیج فارس است. منطقه هند را هم فقط به خاطر این انتخاب کردند که از آن به عنوان مهد دموکراسی یاد می‌کنند و چون دموکراسی به رشد اقتصاد کمک می‌کند، لذا آنجا را جزء مناطق ژئواکونومیک آورده‌اند. (اخباری، ۱۳۸۵/۱۲/۳).

در حقیقت ژئواکونومی از ترکیب ۳ عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به اقتصاد داده است. اما این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یاد برابر ژئوپلیتیک است، بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر می‌باشد. (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹).

براین اساس مناطق جغرافیایی برخلاف دوران جنگ سرد، از بُعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی هستند یا محل عبور آن مورد توجه قرار می‌گیرند. در حال حاضر «انرژی متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژیها به حساب می‌آید» (عزتی، ۱۳۸۴: ۲۹). در این رابطه «برژینسکی» توضیحات کاملی را در مقاله خود تحت عنوان «ژئواستراتژی از راه ژئواکونومی» داده است. جالب است که در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن ۲۱ دارد باز خاورمیانه همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه است. (عزتی، ۱۳۸۵/۱۱/۹). اما در این میان باید یک نکته را نیز مد نظر داشت و آن این است که در مباحث ژئواکونومیک، که در قرن جدید با توجه به تحولات بوقوع پیوسته مطرح گردیده، همان قدر که تولید انرژی از اهمیت زیادی برخوردار است، انتقال آن

نیز حائز اهمیت است. بنابراین کشورهایی که از نظر موقعیت جغرافیایی شرایطشان به گونه ای است که دارای موقعیت کریدوری هستند و مسیرهای ترانزیت هم از آنها عبور می کند، به همان اندازه در مباحث ژئواکونومیک قابل توجه هستند. از سویی دیگر وجود کریدورهایی تواند در منطقه ای با زیرسیستمهای مختلف، برای انتقال منابع انرژی، کالاها و محموله هامفید و ثمر بخش باشد (شانا، ۱۳۸۶/۳/۲۵). در حقیقت هماهنگ کردن زیر بنای حمل و نقل و مواصلاتی منطقه ای منجر به پیشرفت اقتصادی در سطح استانداردهای جهانی می شود. بنابراین می توان گفت هدف هر کریدور همگرایی توسعه همکاری در تجارت و اقتصاد کشورهای منطقه است.

روش انجام تحقیق

این تحقیق به دنبال آزمون و ارزیابی فرضیات زیر می باشد:

- با تسلط اندیشه های ژئواکونومی، منطقه خاورمیانه که در دوران جنگ سرد از بُعد نظامی و استراتژیکی حائز اهمیت بود، در این دوران با رویکردی دیگر دارای اهمیت گردیده است. منطقه خاورمیانه از میان ۵ منطقه ژئوپلیتیک واقع در جنوب غربی آسیا به واسطه دارا بودن ذخایر عظیم انرژی دارای موقعیت ممتازی است که می تواند سرآغاز تحولات عظیمی در آسیای جنوب غربی باشد.

- کشور ایران به عنوان یکی از بزرگترین و ثروتمندترین کشورها در منطقه دارای برتریهای ژئواکونومی درحوزه خاورمیانه و منطقه آسیای جنوب غربی است و از سویی دیگر به دلیل قرارگیری در منطقه حائل دارای نقش گذرگاهی برجسته ای است که چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و چند حوزه دیرینه فرهنگی را به هم متصل میکند. این نقش

باعث گردیده این کشور از نظر ترانزیت کالا در کریدورهای بین المللی که از آن می گذرد دارای جایگاه منحصر به فردی باشد که در نتیجه می تواند در زمینه های اقتصادی و ترانزیتی به عنوان محور همگرایی میان زیر سیستمهای آسیای جنوب غربی بازیگر ارزشمند به حساب آید.

اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و اینترنتی گردآوری شده و سعی گردیده تا معتبرترین و جدیدترین اطلاعات از مراکز مطالعاتی بین المللی و منطقه ای استفاده شود.

به منظور ارزیابی و آزمون فرضیات مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از روش توصیفی^۵ تحلیلی استفاده شده است.

یافته های تحقیق

به طور کلی عوامل و عناصر جغرافیایی و به طور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرایندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی منطقه خاورمیانه است که نقش منحصر به فردی را در رویدادهای آسیای جنوب غربی و جهان ایفا کرده و میکند. چرا که در قرن حاضر این منطقه استراتژیک باغلبه تفکرات ژئواکونومی بر سایر مفاهیم نه تنها در رأس مناطق استراتژیک آسیای جنوب غربی بلکه دنیامی باشد. چرا که این منطقه در طبقه بندی مناطق جدید براساس مفاهیم ژئواکونومی، تنها و اصلی ترین منطقه تولید کننده انرژی فسیلی محسوب میشود.

اطلاعات گردآوری شده در دو بخش تدوین گردیده است. در بخش اول به بررسی نقش و اهمیت خاورمیانه به عنوان یک از مهمترین مناطقی که در درون منطقه آسیای جنوب

غربی واقع گردیده که نتهازدیدگاه ژئوپلیتیکی بلکه ازمنظر مباحث ژئواکونومیکی نیز بسیارحائزاهمیت می باشد، سپس در بخش دوم به بررسی نقش مرکزیت ایران در حوزه تولید و مبادلات، به عنوان مهمترین کشور آسیای جنوب غربی، و نیز جایگاه آن در کریدور های حمل و نقل و ترانزیت که میتوانند زمینه های مناسبی را جهت همگرایی وهمکاریمیان کشورهای آسیا جنوب غربی فراهم آورد پرداخته می شود.

بخش اول

- اهمیت خاورمیانه در معادلات ژئواکونومی در قرن ۲۱

همانطور که می دانیم، در بین شش منطقه ای که در قرن جدید در اقتصاد جهانی نقش دارند، تنها منطقه خاورمیانه است که تولید کننده و صادر انرژی است. این منطقه از دیرباز تاکنون در تحولات جهانی نقش منحصر به فردی داشته است و در معادلات استراتژیک جایگزینی ندارد. منطقه خاورمیانه منطقه ای است که عوامل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در آن برهم منطبق است. چرا که اولاً از خصوصیات بارز این مناطق وجود منابع طبیعی سرشار است و ثانیاً تولید ناخالص هنگفت می باشد. بدین لحاظ است که منطقه خاورمیانه بادراختیارداشتن «۶۰٪ منابع تولید انرژی فسیلی و ۷۴۲میلیارد بشکه ذخایر تثبیت شده تا پایان سال ۲۰۰۷» (شانا، ۱۳۸۶)، نقش ژئواکونومی ویژه ای در قرن بیست و یکم ایفاخواهد کرد و از آنجا که درخاورمیانه عوامل ژئوپلیتیکی منطبق برعوامل اقتصادی هستند، نقش محوری درتدوین استراتژیهای جهانی دارد. (رحیم پور، ۱۳۸۴: ۳). و طبیعتاً این مسأله در تحولات آینده آسیای جنوب غربی نیز مهم و تأثیر گذار است.

اهمیت خاورمیانه در دوران جنگ سرد بدین گونه بود که، در معادلات ژئواستراتژیک دوران جنگ سرد به عنوان جبهه سوم استراتژیک عمل می کرد و اروپای ساحلی جبهه

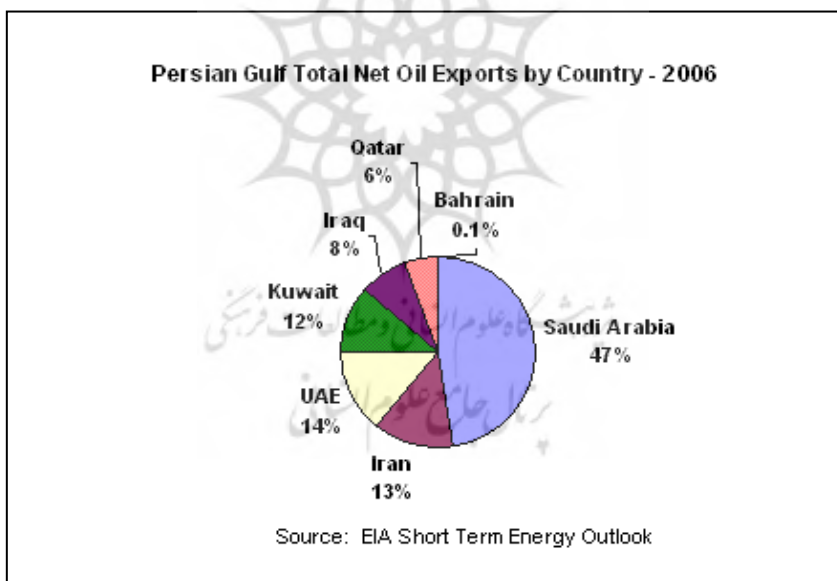
اول و شرق و جنوب شرق آسیا جبهه دوم استراتژیک را تشکیل می دادند. به عقیده آگاهان سیاسی نقش جبهه سوم استراتژیک از لحاظ ارزش برابر با دو جبهه دیگر بود. همین نکته نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و حواشی آن را در تأمین امنیت جهانی که در قرن بیستم بر محور اوراسیا متکی بود و در قرن بیست و یکم نیز بر امنیت اوراسیا تکیه خواهد داشت، روشن می کند.

افزون بر این باید توجه داشته باشیم در قرن جدید استراتژیها و تحولاتی که تحت لوای طرحهایی چون خاورمیانه گسترده و... مطرح می شود همگی دارای اهداف اقتصادی با تسلط بر این مناطق است. که خاورمیانه به طور اعم و خلیج فارس بطور اخص در رأس این طرحها هستند. در نتیجه با نیاز فزاینده جهان صنعتی به انرژی اهمیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، این حوزه انرژی خیز به گرانیگاه بازار جهانی انرژی تبدیل ساخته است که ناگزیر همواره درگیر معادلات رقابتها و تنش های بین المللی است. (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۹). منطقه خاورمیانه یکی از مهمترین مناطق صاحب منابع انرژی دنیاست که نقش بسیار مهمی در معادلات انرژی جهان دارد. تحولات منابع انرژی و نفتی این منطقه از جمله مسائلی است که در تحولات آینده دنیا نقش فراوانی خواهد داشت. علاوه بر آن با توجه به رقابت شدید کشورهای قدرتمند پیرامون نفت، این منطقه نقش بسیار مهمی در معادلات ژئواستراتژی آینده جهان دارد. (شانا، ۱۳۸۳/۱۰/۲۸).

بر طبق برآوردهای آژانس اطلاعات انرژی EIA، کل تولید متعارف و نامتعارف نفت از ۷۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۳ به ۱۲۱/۳ میلیون بشکه در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت که منطقه خاورمیانه ۳۰/۷ میلیون بشکه در روز که برابر با یک چهارم نیاز روزانه نفت را به خود اختصاص خواهد داد. این آمار و ارقام بیانگر اهمیت روز افزون

خاورمیانه و خلیج فارس در معادلات انرژی قرن حاضر خواهد بود (شانا، ۱۳۸۳). از سویی دیگر کشور اول تولیدکننده نفت دنیا در این منطقه قرار دارند. عربستان سعودی به تنهایی در حدود ۲۵٪ از تمام ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد (Rodringue, 2004, 5). کشورهای حاشیه این خلیج روزانه بیش از ۱۶ میلیون بشکه نفت تولید می کنند که این رقم معادل یک پنجم تقاضای جهانی نفت است و ۸/۵ میلیون بشکه در روز از سوی عربستان تأمین می شود. (شانا، ۱۳۸۵). علاوه بر آن بزرگترین میدانهای نفتی دنیا در این منطقه قرار دارد و پیش بینی می شود سهم خاورمیانه در تولید جهانی نفت از ۲۵/۷٪ در سال ۱۹۹۶ به ۴۰/۹٪ تا سال ۲۰۲۰ افزایش می یابد. (بهجت، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

نمودار ۱



جدول ۱

Persian Gulf Countries Petroleum Statistics (2006)					
Country	Reserves (Total Liquids billion bbl)	Capacity (Total Liquids Million bbl/d)	Production (Total Liquids Million bbl/d)	Consumption (Total Liquids Million bbl/d)	Net Exports (Total Liquids) Million bbl/d
Saudi Arabia	262.3	12.1	10.7	2.1	8.7
Iran	136.3	4.3	4.1	1.6	2.5
Iraq	115.0	2.0	2.0	0.6	1.4
Qatar	15.2	1.2	1.1	0.1	1.0
UAE	97.8	3.1	2.9	0.4	2.5
Kuwait	101.5	2.8	2.7	0.5	2.2
Bahrain	0.1	0.1	0.05	0.03	0.02
Total	728.0	23.6	23.6	5.3	18.2

منبع: EIA Short Term Energy Outlook

جدول ۲

Persian Gulf Countries Natural Gas Statistics				
Country	Reserves (Natural Gas ° Tcf) 2006	Production (Dry Natural Gas - Tcf) 2005	Consumption (Tcf) 2005	LNG Exports (Tcf) 2005
Saudi Arabia	240	2.5	2.5	-
Iran	974	3.6	3.6	-
Iraq	112	>0.1	>0.1	-
Qatar	910	1.6	0.7	1.0
UAE	214	1.7	1.5	0.3
Kuwait	55	0.4	0.4	-
Bahrain	3	0.4	0.4	-
Total	2,509	10.3	9.1	1.3

منبع: EIA Short Term Energy Outlook

- نفت و گاز مؤلفه های در جهت ایجاد همگرایی

آنچه که در قرن حاضر اهمیت خاورمیانه را دو چندان کرده، وجود نفت و گازی است

که همانند خون در شریانهای اقتصادی جهان جاری است.

براین اساس اکنون می‌خواهیم بدانیم نفت و گاز در خاورمیانه به عنوان مهمترین منطقه ژئوپلیتیک آسیای جنوب غربی، چگونه و به چه میزان در معادلات اقتصادی قرن جدید ایفای نقش می‌نمایند.

در جهان امروز به دلایل گوناگونی از جمله رشد جمعیت، رشد اقتصاد، رشد مصرف و ... سرانه مصرف انرژی بالاست. در حال حاضر ۸۷٪ انرژی اصلی دنیا از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. بر اساس آخرین گزارشات، جای شک نیست که نفت و گاز حداقل برای سه دهه آینده به عنوان تأمین کننده اصلی و منبع انرژی و سوخت جهان باقی خواهد ماند که خود موقعیت کشورهای نفت خیز خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس را لااقل برای سه دهه آینده تقویت می‌کند. (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

با این اوصاف جای تردید نیست که با اهمیت یافتن اقتصاد و تجارت در نظام جدید جهانی و چیره شدن تفکرات ژئواکونومی بر دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی، خاورمیانه به عنوان مهمترین منطقه آسیای جنوب غربی اهمیت و موقعیت بی نظیری در قرن جدید پیدا کرده است. چرا که این منطقه با منابع طبیعی سرشار خود، دیگر تنها به خاطر ارتباط دهندگی یک بزرگراه تجاری دریایی میان شرق و غرب جهان اهمیت ندارد. بلکه در حال حاضر یکی از دو سرانتهایی در مبادلات اقتصادی جهان است. تعامل اصلی این منطقه با آن دسته از مناطق صنعتی جهان صورت می‌گیرد که از نظر مصرف انرژی اهمیت زیادی دارند و دغدغه اصلی آنان امنیت تجارت نفت می‌باشد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۴).

تحت همین امر در شرایطی که اقتصاد جهان بیشترین نیاز و وابستگی را به منابع انرژی این منطقه پیدا کرده، میزان خطر پذیری در سه تولید کننده اصلی خلیج فارس: عربستان،

عراق و ایران که در مجموع نیم میلیارد بشکه از ذخایر نفت خام دنیا را در اختیار دارند. در بالاترین سطح در نیم قرن گذشته قرار داده است. (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

بخش دوم

- نقش مرکزیت ایران به عنوان کشور کلیدی آسیای جنوب غربی در مبادلات نفت و گاز آسیای مرکزی به جهان

از نظر ژئوپلیتیکی و جغرافیایی ایران، مرکزی ترین کشور آسیای جنوب غربی و قلب خاورمیانه است. و بواسطه موقعیت ژئواستراتژیکی که از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از ناحیه غرب و شمال غرب با عراق، سوریه، ترکیه، آذربایجان همسایه است که این نقش مرکزیت بر قدرت این کشور و توان بالقوه بازیگری با نفوذ در عرصه معادلات منطقه افزوده است.

از سویی دیگر نقش مرکزیت ایران که ناشی از موقعیت جغرافیایی این کشور است این امکان را می دهد به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب باشد و نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، برجسته تر گردد (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۵). افزون بر این کشور ایران با برخورداری از موقعیت استثنایی فضای حائل، دو مخزن انرژی جهان یعنی خلیج فارس با بیش از ۷۰۰ میلیارد بشکه ذخیره ثابت شده و دریای خزر با حدود ۲۰۰ میلیارد ذخیره فضای ژئوپلیتیکی منحصر به فردی را در اختیار دارد. (ساداتیان، ۱۳۸۵: ۴۸).

این مرکزیت در بین این دو مخزن انرژی باعث می گردد سرمایه گذاری خارجی فراوانی را جلب نماید. همچنین منابع انرژی منطقه خزر - آسیای مرکزی تنها از راه ایران به صرفه است که به بازارهای بین المللی صادر شود چرا که این منطقه در خشکی محصور شده و تنها از راه ایران به دریاهاى آزاد راه می یابد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۵: ۱۵).

نقشه ۱: موقعیت ایران در تلاقی میان ۳ قاره



افزون بر این فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور کشورهای مستقل قفقاز و آسیای مرکزی باعث گردید ایران به مثابه سرزمینی پل مانند اهمیت میابد چرا که این کشور دو منطقه ژئواکونومیک جهان را به هم پیوند می دهد. عدم دسترسی کشورهای منطقه آسیای مرکزی به دریاهاى و نیاز مبرم آنها به یک کانون با ثبات جهت ترانزیت کالا و انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی، مرکزیت ایران را در یک نظم راهبردی منطقه ای در حال ظهور

غیر قابل تردید می‌سازد. البته حضور جغرافیایی و حتی فرهنگی ایران در هر دو منطقه مرزهای جنوبی و شمالی خود بر شکل‌گیری سیاست‌های دیگر قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای نیز تأثیر می‌گذارد (شیرازی، ۱۳۸۶: ۶). که این مسأله یعنی موقعیت و جایگاه استثنایی ایران و تبدیل آن به قدرت سیاسی می‌تواند جایگاه ایران را در نظام بین‌الملل ارتقاء بخشد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۳۰).

با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار ممتاز، ایران نه تنها کوتاهترین راه را برای صدور نفت و گاز از دریای خزر به ژاپن و خاور دور در اختیار می‌گذارد بلکه امکانات چشمگیری را در اختیار صادرکنندگان نفت منطقه خزر قرار می‌دهد.

مسیر ایران می‌تواند با کمترین هزینه منابع انرژی دریای خزر را از طریق خلیج فارس راهی بازارهای جهانی نماید. باید در نظر داشت ایران مرزهای مشترکی با ترکیه و پاکستان دارد که هر دو کشور در سالهای آتی از واردکنندگان بزرگ گاز خواهند بود. شبکه خطوط گاز ایران در حال حاضر از خلیج فارس در جنوب ایران به دریای خزر در شمال ایران گسترده است. باین اوصاف می‌توان به نقش بی‌مانند جغرافیایی ایران که دریای خزر را به خلیج فارس متصل میکند پی برد. (مؤسسه مطالعاتی بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۵: ۳۴۴-۳۴۵). در حقیقت ایران می‌تواند یک رابط اقتصادی / تجاری میان کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی باشد.

- تبعات امنیتی انتقال انرژی کشورهای حوزه دریای خزر از طریق ایران و نقش ایران در ایجاد همگرایی

بر طبق بررسی‌ها، مسیر ایران ارزانترین، کوتاه‌ترین و امن‌ترین راه برای انتقال انرژی حوزه دریای خزر می‌باشد. عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر ایران، هم برای کشورهای

نفت خیز حوزه خزر و هم برای کشورهای جنوب آسیا و هم ایران مزایای فراوانی در بر دارد. بهره برداری منابع دریای خزر و انتقال آن از مسیر ایران عاملی جهت بسط و گسترش همکاریها، توسعه منطقه ای و نیز ابزاری برای صلح و امنیت منطقه تلقی می گردد. این امر باعث ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران خواهد شد. (مؤسسه مطالعاتی بین المللی انرژی، ۱۳۸۵: ۲۹۵).

- جایگاه ایران در کریدورهای حمل و نقل و ترانزیت

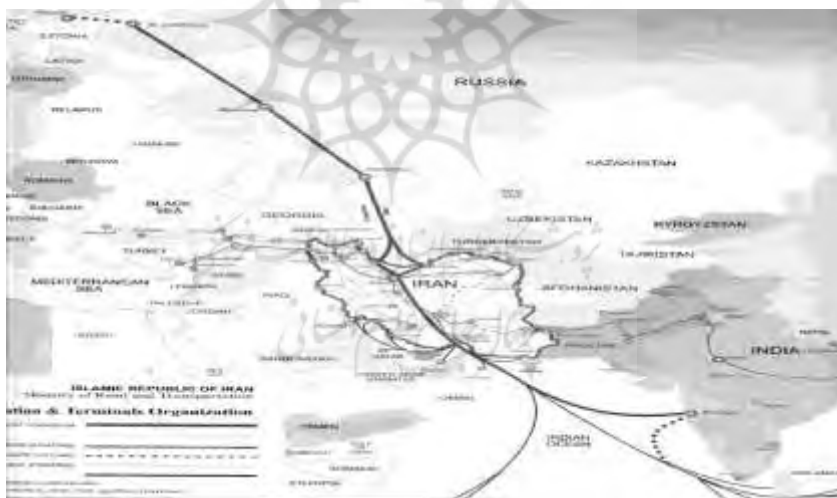
موقعیت جغرافیایی مناسب ایران در تلاقی اروپا و آسیا، شمال و جنوب می تواند موجب فراهم شدن شرایط مناسب و مساعد جهت همکاری موفقیت آمیز هم در منطقه خلیج فارس و هم در حوزه خزر و کشورهای آسیای مرکزی شود. از سویی دیگر این مسأله می تواند به منطقه ای با سیستمهای معتبر و ثمربخش برای انتقال منابع انرژی، کالاها و محموله ها شود (شانا، ۱۳۸۶/۳/۲۵). در حقیقت هماهنگ کردن زیر بنای حمل و نقل و مواصلاتی منطقه ای منجر به پیشرفت اقتصادی در سطح استانداردهای جهانی می شود. بنابراین می توان گفت هدف هر کریدور همگرایی توسعه همکاری در تجارت و اقتصاد کشورهای منطقه است (ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۶: ۱۷).

ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی - اقتصادی ویژه خود و قرار گرفتن بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا دارای برتری نسبی بازار در عرصه مبادلات تجاری و ترانزیتی است و می تواند از طریق نهادسازی و ایجاد زیربناهای حمل و نقل چند وجهی (Multi Modal Transportation) به یک قطب مهم تجاری تبدیل شود. افزون بر این ساحل جنوبی ایران در خلیج فارس ۱۳۷۵ کیلومتر است. این پهنه آبی به منزله مهمترین مرکز ارتباطی

جهان، قاره اروپا، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی به شمار می رود. (انرژی و صنعت، ۱۳۸۶/۳/۲۳).

موقعیت ممتاز ایران جهت انتقال انرژی هنگامی تکامل می یابد که بسیاری از کشورهای همسایه ایران و یا در نزدیکی ایران به عنوان عمده ترین مصرف کنندگان نفت و گاز خلیج فارس، نگاه خود را جهت استفاده از این انرژی تنها به طرف ایران متوجه نموده اند، زیرا ایران دارای امن ترین و نزدیک ترین راه ها به منابع انرژی بوده و مسیر انتقال آن نیز از نظر عوارض طبیعی، مناسب ترین مسیر از نظر انتقال نفت و گاز و صرفه جویی در هزینه و زمان و همچنین ایمنی صنعتی است. ایران حتی با استفاده از خطوط لوله می تواند، نفت و گاز خلیج فارس را به سواحل دریای خزر انتقال دهد.

نقشه ۲: موقعیت ترانزیتی ایران



منبع: ماهنامه اقتصاد ایران: ص ۱۸

نگاهی به نقشه جغرافیایی- سیاسی منطقه و ملاحظه مرزهای زمینی و دریایی ایران بیانگر آن است که ایران تنها کشور جهان است که افزون بر کشورهای جمهوری فدراتیو روسیه، آذربایجان، ارمنستان، افغانستان، ترکمنستان و قرقیزستان، سه کشور آسیای مرکزی (تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان) محصور در خشکی نیز برای دسترسی به آبهای آزاد بین المللی به عبور از ایران نیازمندند (www.qeshm.ir). از سویی دیگر، نقشه کشورهای همسایه ایران نشان می دهد که برای بسیاری از آنها دسترسی به آبهای آزاد بین المللی خاک ایران مناسب ترین مسیر است و یا عبور از خلیج فارس و تنگه هرمز تنها مسیر می باشد (www.qeshm.ir).

- تحلیلی بر کریدورهای حمل و نقل و ترانزیت انرژی و جایگاه ایران
همانطور که پیشتر گفتیم، هدف هر کریدور همگرایی توسعه همکاری در تجارت و اقتصاد کشورهای منطقه است، کریدورهایی که روزانه میلیاردها دلار کالا و خدمات بین کشورهای جهان در آنها مبادله می شود و مردم سراسر دنیا از طریق شبکه چند ملیتی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به یکدیگر پیوند خورده اند. از طریق همین کریدورهاست که تجارت آزاد که بهترین راه خود کفایی هر کشوری است شکل می گیرد (مقدسی، ۱۳۸۲: ۲۰) بنابراین وجود کریدورهای حمل و نقل، ترانزیت کالا را میسر ساخته است. اما نکته ای که باید ان را مد نظر داشت تأمین امنیت این کریدورها توسط کشوردی نفع است چرا که با ایجاد امنیت در طبیعتاً حجم کالاهای ترانزیت شده نیز افزایش خواهد یافت و در آمد زیادی را نصیب کشور خواهد ساخت. بنابراین با ایجاد امنیت در سطوح بالاتر و مسلماً موفقیت کشورمان در جذب کالاهای ترانزیتی نیز افزایش خواهد یافت (احمد خانی، ۱۳۸۶: ۲۰).

اکنون به بررسی هریک از کریدورهایی که از ایران می گذرد می پردازیم تا بتوان بهتر به نقش این کریدورها در همگرایی کشورها تحلیل نمود.

- کریدور شرقی / غربی قابلیتها و پتانسیل ها

یکی از این کریدورها، کریدور شرقی / غربی است. در این میان بندر چابهار در منتهی الیه جنوب شرقی ایران نقطه عبور جنوبی ترین کریدور شرقی / غربی مرادات تجاری جهان است. این گذرگاه از دروازه یشم در چین آغاز و قلب اقتصاد آن کشور یعنی استان کانتون را تغذیه کرده و به پهنه آسیای جنوب شرقی می پیوندد. این مسیر اقتصادی تجاری پس از آن به هندوستان رسیده و به بزرگترین محور شرقی غربی آن کشور پهناور تبدیل می شود.

این کریدور پس از پوشش مهمترین شهرهای ناحیه مانند کلکته، ناکپور، جاپور، حصر آباد، کراچی و بن قاسم در نهایت به چابهار می رسد. بر این اساس چابهار یکی از چهار راههای کریدور جنوبی تجارت جهانی محسوب می شود. چهار راهی که دو کریدور دیگر یعنی دو شاخه راه آهن سریع السیر بین المللی ابریشم را به جنوب پیوند می دهد.

در همین راستا منطقه آزاد چابهار با توجه به جایگاه ویژه در بُعد ملی به عنوان راهکار توسعه محور شرق و در بُعد فراملی به عنوان پُل ارتباطی با کشورهای آسیای میانه و جنوب شرقی آسیا در طراحی سیاستهای کلان اقتصادی جایگاه جدیدتری را طلب میکند.

همچنین این کریدور بهترین مسیر اقتصادی ترانزیت کالا به افغانستان، کوتاهترین مسیر آسیای میانه به آبهای آزاد، اتصال به پیکره سرزمینی، امکان ایجاد پایگاه سوخت و سایر خدمات شناورهای بین المللی و قابلیت بسیار گسترده برای فعالیتهای مرتبط می باشد.

منطقه چابهار به علت خارج بودن از محدوده خلیج فارس، نزدیکترین بندر کشور به آبهای بین المللی، تنها ساحل اقیانوسی ایران و جنوبی ترین نقطه عبور کریدور شرق به غرب در جهان از قابلیت‌های این منطقه به طور اخص و ایران به طور اعم می باشد.

نقشه ۳: مسیر کریدور شرقی غربی



منبع: محقق

- کریدور شمال/جنوب قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها

یکی دیگر از کریدورهایی که به عنوان موقعیت ممتاز کشور ایران در سطح جهان مطرح است کریدور شمال/جنوب است که هند را به کشورهای آسیای مرکزی متصل می کند این کریدور درآمد قابل توجهی را برای ایران به ارمغان می آورد و از طریق این کریدور ایران نقش مهمی در مبادلات منطقه ای جهانی می تواند ایفا بنماید. کریدور بین

المللی شمال/ جنوب از کشورهای اروپای مرکزی آغاز و از طریق مسکو و سن پترزبورگ به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و نهایتاً به جنوب شرقی آسیا متصل می شود. حمل و نقل هر واحد کانتینر از این مسیر ۳۰ درصد ارزان تر از حمل از طریق مسیر کنونی (دریای سرخ، کانال سوئز و دریای مدیترانه) و نیز مدت زمان آن ۵۰ درصد کمتر از مسیر کنونی است. هدف عمده از ایجاد این کریدور که در سپتامبر ۲۰۰۰ منعقد شده بود، رشد پیوند حمل و نقل بین کشورهای طرف قرار داد (ایران، هند، روسیه) و دیگر کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی است است. (امیر احمدیان، ۱۳۸۲: ۷۳).

نقشه ۴: مسیر کریدور شمالی جنوبی



چنانچه با توجه به قرارداد منعقد شده بین دولت های ایران، هند، روسیه و عمان (و توافق های اخیر در مورد الحاق سایر کشورهای پیرامون) کمتر از ۵ درصد از مبادلات کالاهای تجارت جهانی از این مسیر بگذرد، در سال ۲۰۲۰ ایران خواهد توانست حدود ۱۵۰۰ میلیارد دلار کالای ترانزیتی را از خاک خود عبور دهد، که در آمد ناشی از آن می تواند

اقتصاد ایران را متحول سازد. منطقه آزاد قشم در مسیر کریدور ترانزیت شمال ° جنوب قرار دارد و در این گذرگاه دارای موقعیتی ممتاز می باشد.

مهمترین منافع کریدور شمال ° جنوب درآمد، اشتغال، عمران و آبادانی منطقه و امنیت می باشد، که می توان گفت: بخش ترانزیت و کریدور شمال- جنوب در صورت فعال شدن، برای ایران حدود ۱۸۰ هزار شغل هدیه خواهد آورد (www.qeshm.ir)

منطقه قشم که در این کریدور دارای موقعیت ممتازی است با بهره گیری از مزیت مناطق ساحلی در زمینه حمل و نقل مستقیم و غیر مستقیم کالا، به لحاظ قرار گرفتن در مسیر کشتیرانی بین المللی و با دارا بودن سواحل عمیق و امکانات بالقوه برای تبدیل شدن به یک مرکز تولید و تجاری منطقه ای از دیرگاه واجد امتیازات و برتریهای ویژه ای است که می تواند در چشم انداز و استراتژی توسعه تجاری- صنعتی کشور مد نظر قرار گرفته و نقشی مهم ایفا نماید (www.qeshm.ir)

از سویی دیگر قشم امکان برقراری تعرفه های بندری و گمرکی کمتر نسبت به کشورهای عربی پائین دست در رابطه با انتقال ترانزیت کالا به جزیره در مسیر کریدور شمال/ جنوب را دارا می باشد. افزون بر این ساحل شمالی جزیره قشم علاوه بر این دارای مختصات جغرافیایی دیگری است که امکان احداث یک بندرگاه بزرگ برای پهلوگیری شناورهای رده پاناما کس را بدان می بخشد و در ایجاد قابلیت جدیدی برای کشور در سطح اقتصاد ملی نیز تاثیر گذار است (www.qeshm.ir).

- قابلیتها و پتانسیل های ترانزیتی ایران در آسیای مرکزی

یکی از منابع غیر مسلم اولیه، میزان نفت (و تا حد کمتری گاز طبیعی) قابل صدور از ناحیه مجاور خلیج فارس، یعنی حوزه سرشار از انرژی دریای خزر است. این منطقه به طور

بالمکمل نفت خلیج فارس است اما مشکلات سیاسی و اقتصادی حمل و نقل نفت و گاز دریای خزر به بازار همچنان حل نشده باقی مانده اند. سه تولید کننده عمده نفت و گاز این منطقه ° آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان ° بدون عبور از خاک کشور دیگری نمی توانند تولیدات خود را به بازار برسانند. این موارد از مسایل بی نهایت حساس ژئوپلیتیک ناشی می شوند (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

در گذشته نیز تنها راه انتقال منابع نفت و گاز این کشورها از طریق خطوط لوله روسیه بوده است ولی با فروپاشی شوروی سابق و تمایل این کشورها به عدم وابستگی به روسیه، اکنون مسأله انتقال نفت و گاز مشکل حادی برای این کشورها یعنی قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان شده است (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

بنابراین با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص کشورهای این حوزه، این کشورها از نظر فیزیکی از بازارهای بالقوه بزرگ، منزوی هستند. آنها محصور در خشکی و بدون روزنه ای به سیستم ترانزیت بین المللی اند بنابراین استفاده کامل از ذخایر منطقه به تکمیل موفقیت آمیز راههای امن، به دریاهای آزاد بستگی به دارد.

از سویی دیگر کشورهایی که خطوط لوله از آنها عبور می کند از درآمد ترانزیتی زیادی برخوردار می شوند. خطوط لوله همچنین به معنی دست یابی به نفت و گاز است. به علاوه احداث خطوط لوله ترانزیتی قدرت و وسیله اعمال نفوذ بر روی جریان نفت را می دهد. بنابراین جای تعجب ندارد که کشورهای اطراف رقابت شدیدی را برای معرفی نمودن خود به عنوان بهترین راه آغاز کرده اند.

افزون بر این کمپانیهای نفتی، خواهان انتقال انرژی از راه ارزانتر و امن تر به بازارهای جهانی هستند. بسیاری از راهها بالقوه نظیر گرجستان، ترکیه، روسیه چه از نظر سیاسی و چه نظامی ناامن هستند.

این مسأله باعث می شود که ایران از موقعیت خوبی به عنوان ارزانترین، کوتاهترین و مناسبترین راه جهت ترانزیت ذخایر انرژی خزر برخوردار گردد. خطوط لوله موجود ایران و تسهیلات نسبی آماده شده راه ارزان قیمتی برای تولیدکنندگان خزر است. به علاوه بنادر خلیج فارس ایران نزدیکترین راه برای صادرات نفت به جنوب شرقی آسیا به عنوان یک بازار در حال رشد می باشند. (نشریه نگرش، ۱۳۸۵: ۷۰).

البته باید خاطر نشان ساخت سابقه انتقال انرژی از کشورهای حوزه دریای خزر از طریق ایران به قبل از فروپاشی شوروی باز می گردد.

در دهه های پیشین توافق هایی میان دولت شوروی و دولت پادشاهی ایران در زمینه انتقال انرژی به مناطق جنوب غرب شوروی صورت گرفته بود که بر اساس آن، ایران انرژی مناطق جنوب غربی شوروی را که شامل قفقاز می شد، تأمین می کرد و در عوض شوروی انرژی درخواستی کشورهای اروپایی از ایران را از طرف ایران تأمین می کرد و اروپا هزینه انرژی دریافتی از شوروی را به ایران می پرداخت (خاکی نهاد، ۱۳۸۶: ۱۰).

در شرایط جدید و از طریق این خط لوله جدید، علاوه بر تأمین نیازهای انرژی مناطق جنوبی روسیه، امکان فروش حجم بیشتری از تولیدات انرژی برای ترکمنستان و قزاقستان نیز میسر خواهد شد.

از سوی دیگر، این توافق انرژی، تاثیرهای عمده ای بر سیاست های کشورمان در آسیای مرکزی و قفقاز گذاشته و فرصت های جدیدی برای تأمین منافع ملی ایران در

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز فراروی مسئولان کشورمان قرار داده است. این تاثیرها و فرصت های به وجود آمده برای جمهوری اسلامی ایران را می توان در چند بند خلاصه کرد:

احداث خط لوله ساحل خزر که به امضای سه کشور روسیه، ترکمنستان و قزاقستان رسید، سبب تضعیف شدید خط لوله ترانس خزر (مورد حمایت غرب) شد که قرار بود از اعماق دریای خزر به انتقال انرژی بپردازد. از این منظر می توان پیش بینی کرد که به نفوذ آمریکا در معادلات دریای خزر ضربه وارد شده است؛ از این رو امکان مداخلات آمریکا در تعیین وضعیت دریای خزر به عنوان کشوری ثالث، کاهشی چشمگیر یافته و این یکی از بهره مندی های جمهوری اسلامی ایران از انعقاد این قرارداد انرژی سه جانبه است.

با توجه به تضعیف پروژه ترانس خزر و موقعیت ترانزیت جمهوری آذربایجان که قرار بود گاز ترکمنستان از طریق آن ترانزیت شود، تاثیر ایران بر صادرات انرژی ترکمنستان افزایش خواهد یافت. ایران که یکی از گذرگاه های ترانزیت گاز ترکمنستان است، بعد از این بر سیاست های ترکمنستان تأثیر بیشتری خواهد داشت و امکان افزایش مقدار گاز دریافتی و ترانزیتی ترکمنستان از مسیر ایران را به دست خواهد آورد.

می توان گفت که اهمیت موقعیت گذرگاهی و ترانزیت ایران در قیاس با دیگر گذرگاه ها و مسیرهای ترانزیت افزایش خواهد یافت و آینده بهتری برای آن قابل پیش بینی است. نکته مهم این که قربان قلی برد محمد اف، رئیس جمهوری ترکمنستان در جریان اجلاس سه جانبه انرژی در بندر ترکمن باشی، ایجاد کریدور روسیه- قزاقستان- ترکمنستان- ایران را پیشنهاد داد و گفت: پیشنهاد می کنم که پروژه ساخت راه آهن یرالیوا- ترکمن باشی بررسی شود و در صورت وجود تمایل ایران، این راه آهن می تواند

تا ایران امتداد یابد و به این ترتیب می توان کریدور حمل و نقل روسیه- قزاقستان- ترکمنستان- ایران را ایجاد کرد که می تواند از طریق ایران به ترکیه و کشورهای خلیج فارس نیز راه یابد.

به باور بسیاری از کارشناسان، تحولات اخیر منطقه اوراسیا فرصتی مغتنم برای ایران محسوب می شود. شاید در نظر برخی افراد فرصت به دست آمده اهمیت چندانی نداشته باشد، اما به فرض درستی این موضوع نیز نباید این فرصت هرچند خیلی کوچک را از دست داد. ما باید تحولات جهانی و منطقه ای را بادقت و ظرافت دنبال کنیم و ضمن تحلیل و بررسی موشکافانه، منافع و فرصت های حاصل از آنها را شناسایی کنیم و در نهایت از کوچک ترین فرصت، بیشترین بهره را ببریم (خاکی نهاد ۱۳۸۶: ۱۲).

- قابلیتها و پتانسیل های ترانزیتی ایران در کشورهای حاشیه دریای سیاه
انتقال نفت و گاز ایران به کشورهای حاشیه دریای سیاه نیز از مواردی است که با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران می شود مورد بررسی قرار گیرد. امکان این ارتباط با دریای سیاه از دو طریق جمهوری های نخجوان و ارمنستان و گرجستان و یا از طریق فقط دو جمهوری ارمنستان و گرجستان امکانپذیر است، به هر حال با انتخاب هر یک از این راهها و انتقال نفت و گاز ایران به بندر باطوم در کنار دریای سیاه در خاک گرجستان، تمامی کشورهای ساحلی دریای سیاه، یعنی بلغارستان، مولداوی و خود گرجستان هم می توانند نفت و گاز ایران را از طریق این بندر دریافت دارند.

بنابراین موقعیت ایران در جهت ارتباط با دریای سیاه و باز شدن راهی جدید جهت انتقال نفت و گاز ایران و دیگر کشورهای تولید کننده از طریق ایران به کشورهای ساحلی دریای سیاه، می تواند بسیار ارزشمند باشد و در واقع پاسخی باشد به وقفه ای که ترکیه در

عضویت ایران در استفاده از خط لوله خاورمیانه و آسیای مرکزی ایجاد کرده و مرتباً اشکالات جدید به وجود می‌آورد این امر یعنی صدور نفت و گاز ایران از طریق خط لوله به ساحل دریای سیاه یعنی بندر باطوم. با افتتاح پروژه صدور گاز به جمهوری ارمنستان و با طی فاصله بین ارمنستان با ساحل دریای سیاه بسیار سهل تر و کوتاه تر خواهد شد.

بدیهی است که کشورهای ساحلی دریای سیاه، بهترین و بیشترین خریدار نفت ایران از این راه دریایی ارزان و مناسب خواهند بود و ایران تنها کشور نفت خیز در بین کشورهای صادر کننده خلیج فارس است که می‌تواند از این طریق و در کوتاه ترین فاصله با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، نفت مورد نیاز کشورهای ساحلی دریای سیاه را تأمین کند.

بنابراین، در واقع ایران پلی خواهد بود که از دو مبدأ خلیج فارس و دریای سیاه، نفت خود را با توجه به اولویت مکانی کشورهای مصرف کننده و انتخاب مسیر نزدیکتر می‌تواند به کشورهای متقاضی انرژی برساند و از طرفی دیگر کشورهای صادر کننده نفت، برای انتقال نفت خود از مسیر دریای سیاه، تنها باید از مسیر ایران استفاده نمایند. لازم به ذکر است که به غیر از ترانزیت نفت و گاز ایران از جنوب به شمال و شمال غربی که با ارتباط از طریق مرز ایران در استان های آذربایجان غربی و شرقی به بندر باطوم، اهمیت سرزمینی ایران را جهت انتقال انرژی بسیار بالا خواهد برد، مسیر ترانزیت نفت و گاز ایران، از طریق شمال شرقی ایران به کشورهای آسیای مرکزی نیز، ارزشمندی انتقال انرژی از طریق ایران را تأیید می‌کند. (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۲).

- قابلیت‌ها و پتانسیل‌های انتقال انرژی از ایران در منطقه خلیج فارس

همانطور که در صفحات پیشین اشاره کردیم موقعیت ویژه خلیج فارس و وجود منابع عظیم نفت و گاز است واقع در این منطقه، باعث گردیده این حوزه در معادلات و روابط اقتصادی با مناطق دیگر جهان نقش برجسته‌ای داشته باشد.

اما این منطقه بدون استفاده از ایران و راه‌های آبی و خاکی که جزو قلمرو سیاسی و جغرافیایی ایران است، منابع خلیج فارس چندان راه به جایی نخواهد برد. این موضوع در حقیقت اهمیت برتر کشور ایران را در خلیج فارس تداعی می‌نماید. ایران به دلیل داشتن موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی، علاوه بر اینکه از نظر ذخایر نفت و گاز مقاوم دوم و اول را دارد، دارای بهترین راه‌های انتقال انرژی نفت و گاز کشورهای صادرکننده به کشورهای مصرف‌کننده نیز می‌باشد. یکی از این راه‌های تنگه هرمز می‌باشد که آبراهی است که خلیج فارس را از راه دریای عمان به اقیانوس هند متصل می‌نماید. (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۳).

خلیج فارس در واقع بدون ایران بسیاری از قابلیت‌های صدور منابع انرژی را به جهان از دست خواهد داد. ایران با داشتن بیش از دو هزار کیلومتر ساحل از دهانه اروندرود تا بندر گوآتر، علاوه بر تسلط بر راه‌های آبی منتهی به اقیانوس هند، تنها کشوری است که می‌تواند از طریق خشکی منابع انرژی خلیج فارس را به بسیاری از مناطق جهان انتقال دهد. در واقع «ایران می‌تواند به مانند پلی ما بین خلیج فارس، قفقاز و کشورهای اروپایی بوده و اقدامات لازم را برای افزایش روند مبادلات به عمل آورد». (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۵).

افزون بر این مهم‌ترین خطوط انتقال انرژی از خلیج فارس از طریق خطوط انتقال گاز ایران به پاکستان و هندوستان است که هر روز ۹۰ میلیون متر مکعب گاز ایران را به پاکستان و

هندوستان انتقال می دهد و با توجه به نیاز روزافزون هند به انرژی جهت راه اندازی و ادامه فعالیت های اقتصادی خود، همچنان این کشور نیاز به واردات گاز ایران خواهد داشت، طول این مسیر ۲۷۰۰ کیلومتر است. همچنین کشور چین نیز با توجه به نزدیکی سرزمینی به ایران، بهترین راه جهت دستیابی به انرژی هیدروکربنی مورد نیاز خود را مسیر ایران می داند، زیرا لوله های حامل انرژی ایران پس از انتقال از کناره های خلیج فارس در داخل ایران، فقط باید خاک افغانستان را جهت رسیدن به چین طی نماید. (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۴). بنابراین با توجه به نکاتی که اشاره شد مسلماً می توان گفت که ایران مهم ترین و ارزشمندترین شاهراه جهت ترانزیت انرژی بوده و فی الواقع ایران شاهراه انتقال انرژی است.

تجزیه و تحلیل

ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه و در مقیاسی وسیعتر آسیای جنوب غربی است. از آنجا که این کشور همانند پُل واسط بین ۳ قاره آسیا، اروپا و آفریقا است به نحو شدیدی از حوادث این سه قاره مؤثر و متأثر می باشد. کشور ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد در واقع می تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن، نقش موثری داشته باشد و فرآیندهای سیاسی این حوزه ها را شکل دهد. حوزه های ژئوپلیتیکی که کشور ایران با آنها ارتباط دارد، دارای تفاوتها و تشابهاتی و تجانسها و دارای منافع مشترک می باشد. از سوی دیگر ایران می تواند بالقوه عامل اتصال برای تمامی این حوزه باشد و در جهت متشکل شدن این حوزه ها نقش موثری را بر عهده بگیرد.

از آنجا که ایران نسبت به حوزه های ژئوپلیتیک آسیای جنوب غربی دارای مرکزیت می باشد می تواند به عنوان محور همگرایی در زمینه های مختلفی از جمله اقتصادی بصورت ترانزیت کالا و انرژی به حساب آید. این کشور با صرفه ترین مسیر برای احداث خطوط لوله نفت و گاز منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به بازارهای انرژی جهان از طریق خلیج فارس است. در رابطه با مشکلات صادراتی مواد نفتی و گاز طبیعی جمهوری های جدید در کرانه دریای خزر، کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو جامعه خزر با ویژگی های اقلیمی متنوع واقع بین دریای خزر در شمال و آبهای آزاد خلیج فارس در جنوب و داشتن ۱۵۵۰ کیلومتر مرز خشکی با ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان و مجاورت با دریای خزر بطول قریب ۶۵۰ کیلومتر، دارای موقعیت ژئوپلیتیکی بی رقیبی جهت کمک به رفع مشکلات صادراتی این کشورها می باشد. افزون بر این چون ایران رابط میان دریای خزر و خلیج فارس می باشد در مرکز ۷۵٪ از ذخایر نفت و گاز جهان واقع شده است. بنابراین دارای موقعیت مرکزی بی رقیبی است که این موقعیت شرایط مناسبی را برای رهبری ایران در همگرایی کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی فراهم ساخته است.

نکته دیگری که باید در نظر داشت تأثیرات امنیتی است که مبادله نفت و گاز از طریق ایران بواسطه نقش کریدوری و مرکزی است دارد، بوجود می آورد. از آنجا که در قرن حاضر، انرژی عامل مهمی جهت تضمین توسعه پایدار وزیربنای همکاریهای بی شمار و همچنین امنیت پایدار در منطقه آسیای جنوب غربی قلمداد می گردد پیوند هر چه بیشتر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق ایران با ایجاد طرحهای ترانزیتی و مبادله کالا ممکن خواهد شد. با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران

این مسأله می تواند تأثیرات مثبتی در راستای ایجاد امنیت در منطقه فراهم آورد. افزون بر این عبور لوله های نفت و گاز از مسیر ایران تا اندازه زیادی بر امنیت ملی این کشور تأثیر خواهد داشت و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران را ارتقا خواهد بخشید. اما در کنار این مسائل ذکر یک نکته حائز اهمیت است و آن این است که عدم توجه به این جایگاه، سستی و اتخاذ سیاست های غلط باعث خواهد شد تا این موقعیت ممتاز تاریخی از ایران گرفته شود. به گونه ای که حتی با صرف هزینه ای میلیاردی طی سالهای طولانی و نیز دادن امتیازات فراوان هم نخواهد توانست خلأ دستاوردهای امنیتی عبور لوله های نفت و گاز از مسیر ایران را جبران نماید.

نتیجه گیری

در بین کشورهای آسیای جنوب غربی، ایران دارای نقش منحصر به فردی است که هیچ یک از کشورهای آسیای جنوب غربی آن را دارا نمی باشد. این ویژگی قرار گیری در منطقه حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده. گذرگاهی میان قاره های بزرگ جهان میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی است. افزون بر این ایران دارای قابلیت هایی است که کمتر کشوری در این منطقه پهناور آن را دارا می باشد. از جمله آن که:

- ۱- ایران بهترین مسیر انتقال انرژی آسیای مرکزی به جهان است. (انرژی).
- ۲- تجارت بین زیر سیستم های ۵ گانه با جهان از طریق ایران امکان پذیر است. (تجارت).
- ۳- بازار پانصد میلیونی آسیای جنوب غربی با ثروت فراوان آن از طریق ایران و همکاریهای منطقه ای با ایران شکل می گیرد. (گسترش بازار).

بنابراین متوجه می شویم کلیه مناطق ژئوپلیتیک آسیای جنوب غربی دلائل فراوانی وجود دارد تا ایران بتواند محور شکل گیری و همگرایی بین این مناطق گردد. از جمله آن که:

- در حالیکه بازیگران منطقه ای و مجاور بین المللی، حداکثر می توانند در دو منطقه از آسیای جنوب غربی ایفای نقش نمایند ایران در تمامی این مناطق به خاطر پیوستگی جغرافیایی می تواند نقش ایفا نماید.

- کشور ایران به واسطه وجود منافع مشترکی که در برخی موضوعات منطقه ای با کشورهای دیگر آسیای جنوب غربی دارد، مانند زمینه امنیت خلیج فارس، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و صلح و ثبات در قفقازی و آسیای مرکزی و افغانستان، با این کشورها نه تنها تعارضی نداشته بلکه می تواند از همین منافع مشترک در جهت همگرایی بین کشورها استفاده نماید. از آنجا که کشورهایی نظیر روسیه، آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و بوطور کلی کشورهای حوزه قفقاز دسترسی مستقیمی به آبهای بین المللی ندارند، و از این نظر به ایران نیازمندند، ایران می تواند از این مسأله استفاده کرده و با ایجاد زمینه های مناسبی از جهات مختلف نیازهای این کشورها را برطرف سازد. این نکته باعث جلب اعتماد این کشورها به ایران گشته و در نتیجه شرایط برای ایجاد همکاریهای تجاری، فرهنگی و... و نیز همگرایی های منطقه ای با محوریت ایران مهیا می گردد. بنابراین ایران برای گسترش نفوذ و نقش آفرینی خود در منطقه که منجر به استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی اش می شود می تواند به این تدابیر عمل نماید:

۱- وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به روسیه را کاهش داده و از آن طرف آنها را به خود نزدیکتر نماید.

۲- ارتقای جایگاه ایران به عنوان بهترین و نزدیک ترین راه دسترسی اقتصادی منطقه به حوزه خلیج فارس، که به این ترتیب افزایش کارایی نقش ژئواکونومیک ایران در هردو منطقه نتیجه آن است.

۳- افزایش درآمدهای غیر نفتی ایران از راه ترانزیت کالا.

۴- وارد کردن اهرم های فشارتازه در منطقه جهت شکستن محاصره سیاسی / اقتصادی آمریکا و متحدانش.

در رابطه با انتقال نفت حوزه خلیج فارس به کشورهای حاشیه دریای سیاه یابد گفت از آنجا که ایران تنها کشور صادر کننده انرژی فسیلی حوزه خلیج فارس به حوزه دریای سیاه به خاطر موقعیت جغرافیایی اش می باشد و در واقع ایران پلی خواهد بود که از دو مبدأ خلیج فارس و دریای سیاه، نفت خود را با توجه به اولویت مکانی کشورهای مصرف کننده و انتخاب مسیر نزدیکتر می تواند به کشورهای متقاضی انرژی برساند و از طرفی دیگر کشورهای صادر کننده نفت، برای انتقال نفت خود از مسیر دریای سیاه، می توانند از مسیر ایران استفاده نمایند. در حقیقت ایران می تواند عاملی در جهت پیوند کشورهای این دو حوزه (خلیج فارس، دریای سیاه) باشد و زمینه را برای همگرایی و همکاری های بیشتر در آینده فراهم سازد.

نهایتاً باید عنوان نمود، ایران رابط میان دریای خزر و خلیج فارس می باشد و در مرکز ۷۵٪ از ذخایر نفت و گاز جهان واقع شده است. بنابراین دارای موقعیت مرکزی بی رقیبی است که این موقعیت شرایط مناسبی را برای رهبری ایران در همگرایی کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی فراهم ساخته است.

منابع

- ۱) احمدی، عباس و موسوی، الهام سادات (۱۳۸۵). «نقش انرژی فسیلی در ژئوپلیتیک جهانی انرژی»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۷، پاییز.
- ۲) اخباری، محمد (۱۳۸۵/۱۲/۳). «استراتژی غرب تضعیف توان ژئوپلیتیک جهان اسلام است»، نشریه رسالت.
- ۳) امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۲). «کریدور شمال / جنوب و اهمیت آن در همگرایی منطقه ای»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۱.
- ۴) بهجت، جودت (۱۳۸۰). «امنیت نفت در هزاره جدید؛ ژئواستراتژی در برابر ژئواکونومی»، ترجمه قدیر نصری مشکینی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۵ - ۱۶۶، خرداد و تیر.
- ۵) جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: انتشارات وزات امور خارجه.
- ۶) خاکی نهاد، محمد (۱۳۸۶/۴/۲۷). ایران در توافق انرژی میان روسیه، ترکمنستان و قزاقستان، خبرگزاری فارس.
- ۷) ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک خلیج فارس، ایران و آمریکا؛ تهدیدها و فرصتهای فرا روی ایران»، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۱۵.
- ۸) رحیم پور، علی (۱۳۸۱). «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه ای ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۳ - ۱۸۴، آذر و دی.
- ۹) سادانیان، جلال (۱۳۸۵). استراتژی آمریکا در خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۰) عزتی، عزت الله و ویسی، هادی (۱۳۸۵). «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند»، فصلنامه ژئوپلیتیک ایران، دوره ۲، شماره ۴، تابستان.
- ۱۱) عزتی، عزت الله (۱۳۸۴). ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۲) عزتی عزت الله (۱۳۸۵/۱۱/۹). استراتژی آمریکا در خلیج فارس، همشهری دیپلماتیک.

- ۱۳) عزیزاده، حسین (۱۳۸۵). امنیت ملی ایران در پرتو جاگه راهبردی امنیت انرژی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۴) مقدسی، رضا (۱۳۸۵/۹/۵). جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین، تهران: مرکز پژوهش های خلیج فارس.
- ۱۵) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰). «از خلیج فارس تا دریای خزر؛ از ایده های ژئوپلیتیک تا واقعیت های ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۹.
- ۱۶) مؤسسه مطالعات بین المللی و انرژی (۱۳۸۵). ارزیابی منافع و مضار عبور لوله های نفت و گاز از ایران.
- ۱۷) ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۶/۵/۲۸،
- ۱۸) انرژی و صنعت، ۱۳۸۶/۳/۲۳،
- ۱۹) خبرگزاری شانا ۱۳۸۶/۵/۳
- ۲۰) خبرگزاری شانا ۱۳۸۳/۱۰/۲۸
- ۲۱) خبرگزاری شانا ۱۳۸۶/۵/۸۲
- 22) www.qeshmir
- 23) EIA Short Term Energy Outlook
- 24) rodringue (2004). US policy toward Iran in post war Iraq: antagonism or engagement? The Muslim world, volume 94, October.